

عرفان و حماسه حسین بن علی (علیه السلام)

سهراب فاضل

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

آیا نهایت و مقصد راه در عرفان فنا فی الله نیست؟ آیا عارف را قصدی غیر از ذوب شدن در یار است؟ آیا عارف هدفی غیر از وصال معشوق دارد؟ اگر این چنین است، حسین(ع) برترین عارفان است؛ موفق‌ترین عارفان در نیل به مقصود.

حماسه چیست؟ حماسه‌ساز کیست؟ مگر نه این است که حماسه، کاری خارق‌العاده در راه نشان دادن توانایی و قدرت یک ملت و یک مذهب برای حفظ موجودیت خود است. چه کسی بهتر از حسین(ع) برای حفظ موجودیت اسلام و برای برانگیختن از ظلم و جور قدم برداشته است؟ چه کسی حماسه‌ای بزرگتر از حسین(ع) در تاریخ آفریده است که دیگر افسانه و خیال نیز در آن به کار نرفته باشد؟ حماسه‌ای که نشان شجاعت، قدرت، بزرگواری، عظمت روح و ایمان باشد. براستی چه کسی حماسه‌ای به عظمت حماسه کربلا در طول تاریخ آفریده است؟ آیا فردوسی با تمام ویژگیهای بارز و بلند حماسه‌سرایی توانسته است کسی را در اثر جاودان خود چون حسین(ع) به نمایش بگذارد؟

کلیدواژه‌ها: عرفان، حماسه، عارف، حسین بن علی(ع)، دلیری، دلاوری، شجاعت.

مقدمه

پژوهش در خصوص دو موضوع عرفان و حماسه، کاری است بس دشوار؛ چرا که درک حالات عرفانی و گذر از یک میدان حماسی نیز کاری چندان سهل نیست و سخن گفتن درباره آن صرفاً نظریه پردازی دور از واقعیت خواهد بود. اما با درک واقعه کربلا، حتی توجه به ماجرای عاشورا و بازتاب آن می توان دریافت که عارفی بزرگ، حماسه ساز بزرگترین واقعه ظلم ستیزی جهان گردیده است و آن بزرگمرد، کسی نیست مگر ابا عبدالله الحسین (ع). بهترین وجه آمیزش عرفان و حماسه را در زندگی امام حسین (ع) می توان یافت و بس. پیروان و رهروان آن امام، کسانی چون امام خمینی (ره) با سرمشق قرار دادن شیوه زندگی او، قرن بیستم را تحت الشعاع سلوک خویش قرار داده اند.

اگرچه عرفان و حماسه، بخصوص عرفان و حماسه امام حسین (ع) دریایی است، اما قصد نگارنده آن است تا در این مقاله، به اختصار از آن سخن یاد کند و امیدوار است که مقبول درگاه حق - تعالی - قرار گیرد.

پژوهش
رتال جامع علوم انسانی

عرفان و حماسه حسینی

«گدای حضرت او شو، که عاقبت روزی

به پادشاهی عقبی رسد، گدای حسین» (حوسفی، ۱۳۶۶: ۲۲۵)

مسلم است که سخن گفتن و نوشتن در باره ابرمردی که مجد و عظمتش عالمی را مبهوت ساخته، کاری بس دشوار است؛ ابرمردی که طبع روان نویسندگان و شاعران در وصف ساحت آن ناتوان مانده و از سرودن اشعار و نوشتن مطالب

درخورشان او قاصر بوده‌اند. به حول و قوه الهی مختصری در پیرامون عرفان و حماسه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در این مقاله آورده می‌شود.

در آغاز، تعریف اصطلاحات عرفان و عارف ارائه می‌گردد: «عرفان مصدر عربی به معنی شناختن، معرفت، شناخت و شناسایی آمده است.

عرفان نام علمی از علوم الهی است که موضوع آن شناخت اوصاف اوست و بالجمله راه و روشی که اهل الله برای شناسایی حق انتخاب کرده‌اند، عرفان نامیده می‌شود.» (ستاد هم اندیشی نیایش، ۱۳۸۱: ۳۹)

در تعریف عارف آورده‌اند: «آن کسی است که حق را در جمیع صور مشاهده کند و به هیچ صفت و تعیین و نسبت او را مقید نسازد و کسی است که غرق در محبت و معرفت خدای تعالی است و از وجود مجازی خود محو و فانی گشته است و هر آینه او را ترس نباشد.» (حلبی، ۱۳۷۶: ۸۲۲)

و در جایی دیگر آمده است: عارف عبارت از کسی است که پروردگار به نفس او شهادت می‌دهد و احوال بر او ظاهر می‌گردد و معرفت عبارت است از حال او. « (حلبی، ۱۳۷۶: ۸۲۲)

براستی که امام حسین (ع) عارف حق بود و به رضای او سرسپرده بود تا آنجا که می‌فرماید: «ای خدای ذوالجلال و کرامت بخش! به احترام این قبر و کسی که در میان آن است از تو درخواست می‌کنم که راهی را در پیش روی من بگذاری که مورد رضا و خشنودی تو و مورد رضای پیامبر تو است.» (ایران، ۱۳۸۱: ۵)

عارف کسی است که «مراتب تزکیه و تصفیه نفس را طی کرده و اسرار حقیقت را دریافته باشد.» اوحدی گوید:

رازها دانسته و پوشیده‌اند

عارفان که جام حق نوشیده‌اند

عارف کسی است که از هستی خود محو و فانی شده باشد. عارف حقیقی به جز انسان کامل نیست.

«دلی کز معرفت نور صفا دید
به هر چیزی که دید اول خدا دید»
(سجادی، ۱۳۷۸: ۵۶۶)

دلی، تنها خدا را می‌بیند و با خدای خود راز و نیاز می‌کند که چون حسین بن علی (ع) همیشه در حال نیایش باشد و برای راز و نیازش، حتی در حال جنگ و ستیز با دشمنان و در سخت‌ترین شرایط، وقت خاصی نشناسد. او همیشه مجنون و شیدای عشق معشوق بود.

هشیار و مستم چیستم مجنون عشقم کیستم

نه هستم و نه نیستم هذا جنون العارفين

تا روی ساقی دیده‌ام جام فنا نوشیده‌ام

سرمست و هم شوریده‌ام هذا جنون العارفين

او مجنون حق و محو خدا و فانی و شهید حق بود. حسین بن علی (ع) را باید مصلحی دلسوز، اسوه‌ای عمیق‌اندیش، انسانی کامل و بشری آزاده دانست که با بهره‌وری از عنایات الهی به یک مسئله مهم و حیاتی زمان خود پرداخت و از تمامی امکانات لازم برای ادای وظیفه خویش بهره برد، هر آنچه داشت برای رضای الهی و نجات مردم در طبق اخلاص نهاد و این حادثه را همچون مشعلی فروزان و هدایت‌گستر فراراه تمامی بشریت نهاد و آن را الهام‌بخش تمامی حرکتهای سیاسی و آزادیخواهانه قرار داد.

« او به عملی دست یازید که برای هر انسان آزاده و خودساخته‌ای قابل تقلید و الگوبرداری است. عملی بشری، ولی در حد کمال و بدون هیچ کاستی. » (درایتی، ۱۶:۱۵۸)

حسین بن علی (ع) فرزند کسی است که بنا به نظر استاد شهید مرتضی مطهری مؤسس عرفان اصیل اسلامی است. امام علی (ع) خطاب به کمیل بن زیاد نخعی (ره) در مورد کمال یافتگان می‌فرماید: «هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره و باشروا روح الیقین و استلنوا ما استوعره المترفون، و أنسوا بما استوحش منه المجاهلون، و صحبوا الدنیا بآبدان ارواحها معلقه بالمحل الاعلی، اولئک خلفاء الله فی ارضه، و الدعاه الی دینه، آه آه شوقاً الی رؤیتهم. (نهج البلاغه فیض، حکمت ۱۳۹).

« امواج علم بر اساس حقیقت ادراک و بصیرت بر آنها هجوم برد و یکباره آنان را احاطه نمود و جوهره ایمان و یقین را به جان خویش لمس کردند و آنچه را خوش گذرانها سخت و ناهموار داشتند، نرم و ملایم و هنجار انگاشتند و به آنچه جاهلان از آن در دهشت و ترس بودند، انس گرفتند. فقط با بدن خاکی خود هم‌نشین دنیا شدند، با روحهایی که به بلندترین قله از ذروه قدس عالم ملکوت آویخته بود. ایشانند در روی زمین، جانشینان خدا و داعیان بشر به سوی دین خدا، آه، آه، چقدر اشتیاق زیارت و دیدارشان را دارم. » (شاه حیدر، ۴۰: ۱۳۴ و ۱۳۵)

و در جایی دیگر امام علی (ع) می‌فرماید: «العلم اول دلیل و المعرفه اخر نهایه. علم نخستین راهنما و معرفت، آخرین پایان است.» (شاه حیدر، ۴۰: ۱۳۵)

«این معرفت برای کسی رخ می‌دهد که به علم خویش عمل کرده باشد، زیرا این نور معرفت را خدا در دل کسی که بخواهد قرار می‌دهد و شرطش مجاهده و ریاضت و تهذیب نفس از اوصاف نکوهیده و آراستن آن به اوصاف پسندیده است؛

چنانکه حضرت امام جعفر صادق(ع) خطاب به «عنوان بصری»، که سودای حقیقت و رسیدن به سرچشمه یقین او را آرام نمی گذاشت، فرمود: معرفت خدا و نور یقین تحصیل نمی شود. دیگری نمی تواند این نور را به تو بدهد. این علم درسی نیست؛ نوری است که هر گاه خدا بخواهد بنده ای را هدایت کند، در دل آن بنده وارد می کند. اگر چنین معرفت و نوری را خواهانی، حقیقت عبودیت و بندگی را از باطن روح خودت جستجو کن و در خودت پیدا کن؛ علم را از راه عمل بخواه، از خداوند بخواه. او خودش به دل تو القا می کند...» (شاه حیدر، ۴۰: ۱۳۹)

براستی که چه زیبا و خوب فرزندش حسین بن علی(ع) بدین علم و معرفت عمل نموده است و در نهایت پس از مجاهده و ریاضت و تهذیب نفس از اوصاف نکوهیده، با جان خویش به جهاد در راه معشوق پرداخت؛ جان بدو سپرد و فانی و باقی حق گشت و این نهایت آرزوی عارف است. چنانچه مولانا گوید:

آب کم جو، تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست

تا سقا هم ره هم آید خطاب تشنه باش، الله اعلم بالصواب

اما حماسه، «حماسه (=ع حماسه):

۱- دلیری کردن، شجاعت نمودن؛

۲- دلیری، دلاوری، شجاعت؛

۳- رجز، ارجوزه؛

۴- نوعی از شعر که در آن از جنگها و دلاوریها سخن رود؛ شعر رزمی، شعر

حماسی». (معین، ۱۳۶۴)

پس حماسه کاری خارق العاده است و حماسه ساز کسی است که کاری خارق العاده در راه نشان دادن توانایی و قدرت یک ملت و یک مذهب برای حفظ موجودیت خود، انجام می دهد.

حماسه ای که امام حسین (ع) آفرید، حماسه ای بود که از کربلا و از بستر شنهای داغ و سوزان آن سرزمین سر زرد و الهام بخش ملل مسلمان در راه مبارزه با ظلم و ستم گردید. حماسه کربلا یکی از بزرگترین و شورانگیزترین حوادث صدر اسلام می باشد که با توجه به نقش قهرمان اصلی آن، نمی توان نظیری در تاریخ برای آن یافت و با نگرش به این خصوصیات است که حماسه کربلا با عمق جان و باورهای اعتقادی، اجتماعی، انسانی مردم رقم خورده است؛ از این رو نسلها و قرنهای هرگز نمی توانند آن را فراموش کنند.

یکی از معروفترین و شیواترین فرمایشهای حماسی امام حسین (ع)، در زمان کارزار و نبرد بیان شده است؛ بدین شرح: «کشته شدن در راه خدا بهتر است از زیر بار ننگ رفتن؛ و عار و ننگ بهتر از دخول در آتش دوزخ می باشد. وای بر شما ای پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از روز معاد هم ترس ندارید، پس حداقل در دنیای خود آزادمرد باشید...» (سیدبن طاووس: ۱۳۹)

همان گونه که ابوسعید ابی الخیر می گفت: «خدایت آزاد آفرید، آزاد باش» و هم او می گفت: «بنده آنی که در بند آنی» یا مولوی می گفت:

مطرب عشق این زند وقت سماع بندگی بند و خداوندی صداع
سعدی می گفت:

گر آزاده ای بر زمین خسب و بس مکن بهر قالی زمین بوس کس
حافظ در این معنی می گفت:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
 تنها با یک حرکت شجاعانه حفظ کیان اسلام امکان داشت: امام حسین (ع) از
 همان ابتدا با صراحت موضع خویش را در مقابل یزید بیان و بر آن پافشاری می
 کردند. علت این امر خطری بود که کیان اسلام را تهدید می کرد. چون خلفای اموی
 با اسم دین و با سوءاستفاده از شریعت نبوی به خلافت رسیده بودند و در ظاهر،
 نقاب دین بر چهره داشتند.

امام حسین (ع) با وجود مخالفت شدید دوستان و اقوام، با یارانی اندک راهی را
 برگزید که فرجامش شهادت بود. ابا عبدالله الحسین (ع) که برای مبارزه با خلافت
 یزید تصمیم گرفته بود، در صدد برآمد با یک حرکت حماسی، امواجی جاودانه
 ایجاد نماید و نهال دین را با خون خود تازگی و طراوت بخشد.

در حادثه کربلاست که واژه‌هایی چون: شهامت، شجاعت، قدرت، شهادت و...
 مفهوم واقعی خود را محقق می‌یابد که «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه».
 امام حسین (ع) با قیام شجاعانه خود، روح مردم را زنده کرد و حیات تازه‌ای در عالم
 اسلام دمید؛ احساس بردگی و اسارتی را که بر جامعه اسلامی حکمفرما بود،
 تضعیف کرد؛ ترس و وحشت را برداشت و به جامعه اسلامی شخصیت داد؛ وجدان
 دینی جامعه را بیدار کرد و تحول تازه‌ای به وجود آورد که تحت تأثیر آن جامعه
 اسلامی به کلی دگرگون شد و همین کافی بود مردان آزاده را به دفاع از حریم
 شخصیت و شرافت خود و جامعه‌اش وا دارد. روح مبارزه و ستیز را که در جامعه
 اسلامی به خاموشی گراییده بود، شعله‌ای تازه بخشید و به دل‌های مرده و جانهای
 افسرده، حیاتی تازه دمید و آنها را به جنبش و حرکت واداشت.

برای روشن شدن میزان تأثیر انقلاب امام حسین (ع) در بیداری روح انقلاب در جامعه اسلامی، باید توجه داشت که جامعه اسلامی پیش از حادثه عاشورا بیست سال تمام را با سکوت مرگبار گذرانیده بود و با اینکه در این مدت، موجبات انقلاب فراهم بود، کسی جرأت نفس کشیدن نداشت.» (الهامی، ۲۲: ۹۶)

«پس از شهادت امام حسین (ع) اوضاع دگرگون شد و توده‌های ستمدیده و محروم به پا خاستند و ملت هر لحظه آماده انقلاب و برچیدن بساط حکومت غاصب اموی گردید و در واقع خون امام حسین (ع) بهانه تحریک مردم شد و آتش کینه‌توزی را در نهاد مردم روز به روز شعله‌ورتر ساخت.

در نتیجه، شورشهای مکرر به وقوع پیوست و لذا می‌توان گفت انقلاب امام حسین (ع) سرآغاز تاریخ انقلابها و نخستین انقلابی است که مردم را بیدار و آماده ساخت.

در میان انقلابهای جهان، انقلاب عاشورا از لحاظ روحی، غنی‌ترین و استوارترین آنهاست؛ زیرا موجی عظیم از حماسه، اراده و پایداری پدید آورد و از این رو الهام‌بخش تمام انقلابهایی است که پیوسته برضد هرگونه ظلم و طغیان به وقوع می‌پیوندد.» (الهامی، ۲۲: ۹۶) انقلابهایی چون: ۱- انقلاب توایین، ۲- انقلاب مدینه، ۳- انقلاب مختار ثقفی، ۴- انقلاب مطرب بن مغیره، ۵- انقلاب ابن اشعث، ۶- انقلاب زید بن علی، ۷- انقلاب عظیم سیاه جامگان و بسیار انقلابهای کوچک و بزرگ تاریخ، مانند انقلاب اسلامی ایران به رهبری فرزندان خلف حسین بن علی (ع)، امام خمینی (ره) که قرن بیستم را متحول نمود.

امام حسین (ع) در بامداد عاشورا فرمودند: «... آگاه باشید که فرد زنازاده پسر زنازاده (ابن زیاد) مرا بین چند چیز مخیر ساخته است: یا با شمشیر کشیده آماده

جنگ شوم یا لباس ذلت بپوشم و با یزید بیعت کنم؛ ولی ذلت از ما بسیار دور است و خدا و رسول خدا و مؤمنین و پرورده شدگان دامنهای پاک اشخاص با حمیت، و مردان با غیرت به ما چنین اجازه‌ای را نمی‌دهند که ذلت اطاعت نمودن مردم پست را بر کشته شدن با عزت، ترجیح دهیم. بدانید من با وجودی که یار و یاورم کم است، با شما می‌جنگم. و در دنباله سخن خود اشعار فروه بن مسیک مرادی را قرائت نمود:

فان نهزم فهزامون قدماً
و ان تغلب فغیر مغلینا

.....

و ما ان طبنا جین و لکن

اگر ما پیروز شویم و دشمن را شکست دهیم، شگفتی نیست؛ زیرا همیشه ما شکست دهنده بوده‌ایم و اگر مغلوب و کشته شویم، از جانب ما نبوده است و از راه ترس کشته نشده‌ایم...» (سید بن طاووس، ۱۳۶۶: ۱۱۵) و این کمال شهامت و شجاعت و حماسه است که هم ابراز قدرت و به حق بودن و همچنین نوعی رجزخوانی در مقابل دشمن محسوب می‌گردد.

حماسه کربلا مسیر تاریخ را عوض کرد؛ حماسه‌ای که هرگز فراموش نمی‌شود و تا ابد نقش بر دل‌های مسلمانان است. امام حسین (ع) با فدا کردن جان خود و برادران و فرزندان و بستگان و اسیر شدن خانواده پیغمبر گرامی اسلام، پایه‌های آزادی و شهامت را بنا نهاد. امام حسین (ع) آن‌چنان در راه عشق بحق فداکاری کرد که دنیایی را دچار تعجب نمود.

نتیجه

در پایان می‌توان گفت که در اوج آزادیخواهی، حماسه هست و در اوج حماسه، اخلاق و در اوج اخلاق، عرفان و سرآمد این همه حسین بن علی (ع) است که سرور آزادیخواهان و حماسه‌سازان و عارفان جهان است.

«یا امام المسلمین! از ما عنایت وا مگیر

خود تو می‌دانی که (سلمان) بنده آل عباس است» (وفایی، ۱۳۷۶: ۳۳)

منابع

- حلی، علی‌اصغر؛ مبنای عرفان و احوال عرفان؛ تهران: اساطیر، ۱۳۷۶.
- حوسفی، محمدبن حسام. دیوان؛ به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک؛ انتشارات اداره کل حج و زیارت، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- خلاصه مقالات برگزیده هم‌اندیشی فرهنگ نیایش و دانشجو؛ ناشر ستاد هم‌اندیشی فرهنگ نیایش و دانشجو؛ چاپ اول، بهار ۱۳۸۱.
- روزنامه ایران؛ سه‌شنبه، ۲۷ فروردین ۱۳۸۱.
- سجادی، سیدجعفر؛ فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی؛ کتابخانه طهوری، ۱۳۷۸.
- سیدبن طاووس؛ اللهوف فی قتلی الطفوف؛ ترجمه دکتر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی.
- درایتی، مصطفی؛ حسین بن علی در دو نگاه؛ مصباح، سال چهارم، ش ۱۶ (زمستان ۱۳۷۴): ۱۵۸.
- شاه حیدر، عبدالکریم؛ امام علی (ع) رهنمای معرفت عرفانی؛ مصباح، سال ۱۰، ش ۴۰ (زمستان ۱۳۸۰): ۱۳۳-۱۴۵.
- الهامی، داود؛ جنبشهای احیایگرانه متأثر از حرکت امام حسین (ع)؛ مصباح، سال ششم؛ ش ۲۲ (تابستان ۱۳۷۶): ۹۶.
- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۶۴.
- ملکی تبریزی، آقا میرزا جواد؛ رساله لقاءالله؛ ترجمه سیداحمد فهری؛ انتشارات فیض کاشانی، بهمن ۱۳۶۸.
- وفایی، دکتر عباسعلی؛ کلیات سلمان ساوجی؛ انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۶.

